از تجربیات انقلاب بهمن درس بگیریم

از روز ۲۲ بهمن روزی که خلقها خود به‌میدان آمدند، تا با دستان پرتوان و ارادهٔ تزلزل ناپذیر خویش، سرنوشت شان را زان پس خود رقم زنند، ۹ سال میگذرد. روزی که توده‌ها با عصیان خویش بر رهگذر تاریخ، خشمناکانه فریاد برآوردند و بر هر نسلی و عصری که میگذشت و میگذرد، نهیب زدند که: ای بر مرکب های سیاه ننگ سوار! ای بگریخته از همهٔ صحنه های محکومین و استثمار شدگان، ای پوچها، پلیدها، آنجا که خلق به عصیان درآید و از سر درد و ایمان بخروشد، دیگر جای شما نیست! آنجا که توده های در اسارت، مرگ بر افتخار را بر زندگی ننگین برگزینند، حاکمیت شما و محکومیت آنها نابود شدنی و از میان رفتنی است! چرا که پیوسته، پیروزی قطعی از آن هابیلیان و به ضعف و ستم و استثمار کشیده شدگان است! آنجا که مرگ از برای توده ها بسان گردنبندی از زیباترین گوهرهای خدائی بر گردن باشد، توده ها بی مرگ و جاودانه اند و حاکمین، محکومین فناپذیر!

روزی که آرزوهای مرده و امیدهای بر باد رفته و دلهای مأیوس و حرمان گرفته و عشق های بی سرانجام و خواستهای سرکوفت شدهٔ توده ها، به امید و عشق و ایمان و انتظار و حرکت و تلاش بدل شد. امید و انتظار تنها به یک چیز و آن فردای انقلاب! اما آیا براستی انقلاب بهمن ماه ۵۷ توانست پس از مراحل تکوین اش که همان آغاز دگرگونی، جهش و قیام بود، مرحله استمرارش یعنی نیل به سمت اهداف مترقی و رهائیبخش را با موفقیت از سر گذرانده و به مفهوم حقیقی خود جامعه عمل بپوشاند؟

در میان تعاریفی که تا کنون از انقلاب صورت گرفته و مفهوم حقیقی آن را مورد کنکاش قرار داده است، جامع‌ترین و عمیق‌ترین آن را در کلام امام علی متبلور می‌یابیم که: انقلاب عبارتست از: "دگرگونی" در دینامیسم "اجتماع" باتکیه بر نیروی لایزال و لایتناهی توده ها، برای "اعتدال" بخشیدن به حرکت اجتماع. طبعا چنین انقلابی دگرگونی های زیر را دربردارد

۱ـ ایجاد دگرگونی در روابط انسانی ـ اجتماعی یک جامعه براساس خود آگاهی افراد آن جامعه

۲ـ ایجاد دگرگونی در روابط اقتصادی ـ اجتماعی جامعه بر اساس قسط.

۳ـ ایجاد دگرگونی در روابط اجتماعی ـ اجتماعی که بر اساس اصل آزادی محقق میگردد.

از فردای ۲۲ بهمن روشن گشت که هیچکدام از این دگرگونیها بوقوع نپیوسته و نخواهد پیوست، پس از قیام قهرمانانه توده ها و ریخته شدن خون انسانهای پاک که حماسه آفریده و جانفشانی ـ ها کردند، انقلاب در استمرارش سیر انحطاطی بخود گرفت و نه تنها در جهت تکاملی و نیل به مراحل و اهداف بعدی‌اش که همانا نفی امپریالیسم امریکا، نفی طبقات و... بود به پیش نرفت، بلکه به مرور ره آورده های اندکش که عبارت بودند از: ضربه خوردن سرمایه داری وابسته به مثابه پایگاه مهم امپریالیسم، آزادیهای نیم‌بند سیاسی، تشکیل احزاب و سازمانهای مترقی، آزادی زندانیان سیاسی، ضربه خوردن ارتش شاهنشاهی، متلاشی شدن ساواک و... بود، هم مورد حملهٔ وحشیانه و ناجوانمردانه حاکمان تازه به دوران رسیده قرار گرفته و بجای آن زندانهای بیشمار در آشکار و نهان ساخته شد. سازمانهای سیاسی و مترقی، یکی پس از دیگری با انواع و اقسام اتهامات واهی مورد حمله قرار گرفتند. دهها هزار زن و مرد و پیر و جوان وکودک دستگیر و به شکنجه گاهها و میادین اعدام برده شدند، سرمایه داری وابسته، شروع به ترمیم خود نمود.

ـ سازمان اطلاعات و امنیت جدیدی با استفاده از مهره های قبلی و با روشهای بسیار پیچیده تر از گذشته تشکیل گردید. گوئی دشمن از قیام و عصیان مردم چنان خشم و کینه ضد انقلابی‌اش شعله ور شده بود که مصمم گردید چهره عوض کرده و به لباس دوست! درآمده و ظاهرا بنام پاسداری از انقلاب، نیش های زهرآگینش را صدها مرتبه تیزتر از گذشته، بر پیکر زخم خورده و رنجدیده این ملت محروم فرو بَرَد و چنین شد.

در این واقعه گوئی تنها چهره ها، لباسها و اسمها عوض گردیدند اما سرکوب، استثمار، فقر و ذلت توده های زحمتکش ده ها بار بیش از گذشته، تشدید گردید. منادیان استعمار کهنه به رهبری روحانیت که مدتهای مدیدی عقدهٔ حکومت بر سر داشتند جانشین مزدوران قبلی امپریالیسم گردیدند و براستی نشان دادند که در تزویرگری دیکتاتوری استثمار و غارت خلقها صدها مرتبه از صاحب منصبان قبلی لایقترند.

روبه‌رفتن زشتخو به رهبری خمینی از انگیزه و شور مذهبی مردم و ضعفهای پیشگامان مردمی که همانا عدم حضورشان در صحنه و داشتن مشی های سکتاریستی وجدا از مردم بود، سوء استفاده نموده و با انواع و اقسام حیله ها حاکمیت شوم خود را بر سرخلق محنت کشیدهٔ ما گستراندند و به این ترتیب بجای گسترش حاکمیت توده های زحمتکش که همانا یکی از اهداف مقدس انقلاب بهمن ماه بود، رژیم ضدخلقی حاکم با ویژگیهای استبدادی، استثماری، استحماری تکوین پیدا کرد و از همان ابتدا جهت حفظ قدرت متمرکز

بهر وسیله ای گردید. او بهنگام عصیان خلقها به تقویت ارتش شاهنشاهی پرداخته و آن را سامان یافت پیشین به سرکوب خلقهای کرد وترکمن.... که تنها خواهان شرکت در تعیین سرنوشت خودبودندفرستاد و روز و شب به بمباران وگلوله باران منازل مسکونی‌شان پرداخت . رژیم همچنین جهت سرکوبی‌مخالفان و از میدان بدر کردن رقبا، تثبیت حاکمیت خود و مدور ارتجاع، مسبب جنگی خانمان برانداز گردید که تاکنون حدود ۸ سال از ادامه ویرانگر آن میگذرد. دراین مدت صدها هزار نفر از جوانانی راکه میتوانستند در سنگرمبارزهٔ ضد امپریالیستی و در صحنه سازندگی اجتماع، تکیه گاه مادی و معنوی قدرتمند انقلاب باشند، به کام خود بلعیده و ضمن آن موسّسات صنعتی و اقتصادی و تعداد کثیری ازشهرها و روستاهایمان را در آتش خانمانسوزش به نیستی ونابودی کشانده است .

جنگ علیرغم بوجود آوردن سودهای سرشار ناشی‌از معاملات تسلیحاتی برای تولیدکنندگان اسلحه، بهانه خوبی برای امپریالیسم این دشمن ضد خلقی که اساس حیاتش را بر مرگ خلقها استوار کرده است، گردیده، تا بالشکرکشی به خلیج‌فارس جنگ و دندان خونین خود را در روند غارتگری، توسعه طلبی و جهان خوارگی‌اش، به خلقهای منطقه نشان دهد. از دیگر نتایج شوم این جنگ بوجود آوردن فرصتهای طلائی برای رژیم بلید صهیونیستی بوده تا ضمن فروش لوازم و تجهیزات جنگی به رژیم، به سرکوبی خلق قهرمان فلسطین بپردازد که به گفته رهبران ساف، بین تشدید جنگ ایران وعراق در جبهه ها با حملات رژیم صهیونیستی رابطه مستقیم دارد .

آواره و دربدر شدن صدهاهزار پناهنده ایرانی در خارج از کشوربازتاب دیگری‌ازحاکمیت شوم مرتجعین میباشد که هم اکنون همه شاهد اوضاع واحوال ناهنجار عده کثیری‌ازآنها درکشورهای همجوار ودر بعضی ازکشورهای‌اروپائی هستیم. در مدت ۹ سال گذشته رژیم خمینی باجنان سرعتی مرزهای تزویر و ریا و ستم‌پیشگی وبلیدی را پشت سر گذراند که بارها همپای رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی ، از طرف مجامع‌بین المللی حقوق بشر، محکوم گردیده است .

اما راستی چرا انقلاب مسخ گردید و بجای نیل به سمت اهداف متعالی‌اش ، مسیری انحطاطی را پیمود و دستاوردهای اندکش هم در معرض نابودی قرار گرفت .

بدون شك اولین مسئله ای که می‌تواند دلیل مسخ ماهیت یك انقلاب چه در مرحله تکوین و چه در مرحله استمرار باشد، عدم وجود یك قشر پیشتاز است که از متن توده ها جوشیده باشد و سپس وظیفه نگاهبانی از ارزشهای انقلاب را عهده دار گردد . زیرا همواست که ادبیات انقلاب را شکل میدهد و هم اوست که ایدهٔ‌لوژی انقلاب را به‌متن توده ها برده و آنها را خودآگاه میکند. لذا هر نوع ضعف ، انحراف و شکست نصیب انقلاب شود، مستقیما به رابطه بین انقلاب و پیشگام باز میگردد . دشمنان بیرونی نمی‌توانند یك انقلاب را نابود کنند مگر آنکه پیشگام بطور اصولی شکل نگرفته باشد. دشمنان درونی نمیتوانند انقلاب را به ورطهٔ نیستی بکشانند، مگرآنکه رابطه پیشگام رااز انقلاب ابتدا قطع کرده باشند . در واقع اگر درون انقلاب قوی و منسجم باشد دشمن بیرونی هیچگاه نمیتواند انقلاب را نابود سازد در غیر این صورت دشمن بامسخ انقلاب، با تشدید شیهه و با درآمدن در لباس دوست‌او با جا گرفتن در صف توده های مردم و با التقاط حق و باطل شناخت را برای توده های مردم دشوار نموده و نهایتا آنها را به‌یاس و انقلاب را به نابودی میکشاند . و بالاخره اگر انقلاب را پدیده ای اجتماعی بنامیم که توده ها موضوع و مبنای آنند ، این توده های انقلابگرند که با تحول و دگرگونی در نظام ارزشهای خود بمیدان میایند و با حرکت و جوش و پویش خویش دگرگونی‌انقلابی را موجب میشوند . اما مسئله مهم آنست که چه عاملی موجب‌انگیزش و عصیان توده ها بر روابط عینی اجتماعی و نظام ضدارزشی حاکم میشود؟ آیا توده ها دربستر عینیات خودبخودی به خودآگاهی رسیده وحرکت انقلاب ـ گرانه را میافرینند؟در اینجاست که به یك پارامتر مهم دیگری میرسیم وآن بینش، مکتب و ایدهٔ‌لوژی انقلاب است که با طرح ارزشهای انقلابی ضدارزشهارا نفی نموده و چه بایدکردهای انقلاب رامشخص میسازد. لذا شرط لازم برای‌انقلاب کردن وجود پیشگام درجامعه و شرط کافی‌در این رابطه، بودن ایدئولوژی‌انقلابی است، چه مکتب ارزشهارا تعیین‌میکندو پیشگام آنرا به توده ها انتقال میدهد و توده هادر این‌مسیر بر می‌آشوبند و بدینسان انقلاب آغاز میشود و شکل میگیرد و انقلاب ۲۲ بهمن فاقد هر دوی این‌عوامل بود.

در چنین شرایطی بر تمامی نیروهای مترقی و مبارزاست که با درس گیری از تجربیات انقلاب بهمن و با رفع ضعفهای جنبش کنونی خلقمان، با استفاده از بحرانهای عمیق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وتضادهای درونی‌ارتجاع، در جهت بسیج و سازماندهی(ضدارتجاعی ـ ضدامپریالیستی) توده ای ، برای سرنگونی رژیم ضدخلقی حاکم و احیای آرمانهای مترقی یك انقلاب اصیل گام بردارند.

هنر چه فروزانتر باد مشعل خودآگاهی خلقهای زحمتکش

مرگ بر ارتجاع ـ مرگ برامپریالیسم ـ سرنگون باد رژیم استبدادی ـ استثماری-استعماری حاکم

هواداران آرمان مستضعفین در خارج از کشور-بهمن ماه ۱۳۶۶

F.A BOX 2118
424 02 ANGERED SWEDEN

Post bus 22749
1100 DE Amsterdam HOLLAND